

مردم از لحاظ سرمایه‌گذاری فراهم است ولی از نظر ایجاد شغل برای فرد فراهم نشده است. در تعاونی وقتی فرد پولش را می‌گذارد، می‌تواند کارهایی را انجام و فعالیت‌های کوچکی را ساماندهی کند، بنابراین نوع سرمایه‌گذاری و کارآمدی برای اداره سرمایه یک بحث است و اشتغال برای افراد بحث دیگری است و باید بین این دو موارد تفکیک قائل شد.

■ از آنجایی که ورود به بحث‌های عمرانی تخصص و سرمایه بالایی نیاز دارد، تعاونی‌ها می‌توانند در مسائل دیگر ورود پیدا کنند؟

افرادی وارد تعاونی‌ها می‌شوند، معمولاً نه تنها سود نبرده بلکه ضرر می‌کنند، حمایت می‌شوند اما کار به نتیجه نمی‌رسد، پس باید این امر را مورد بازنگری قرار داد و باید روی نحوه کارآمدی تعاونی‌ها فکر کنیم زیرا تعاونی‌ها باید روی یک موضوع خاص کار کنند و افراد مختلف هم می‌توانند مشارکت داشته باشند، بالاخره اینکه ما فضا را برای عموم جامعه در مشارکت‌های جمعی اعم از مسائل فرهنگی و اقتصادی فراهم کنیم، دارای ساختار قانونی است اما آنچه نداریم این است که ما چه کارها و پروژه‌هایی را باید برای رسیدن به هدف خود مشخص کنیم؟ ما باید بدانیم هر کاری را نمی‌شود شروع و به آن ورود پیدا کرد، باید به کاری ورود پیدا کرد که سود داشته باشد و عمران و آبادانی را در پی داشته باشد.

■ در بحث مشارکت، مردم حس تعلق را ندارند، آیا در شهرهای ما می‌شود کاری کرد که مردم ذینفع بودن را به صورت مستمر احساس کنند و به‌طور طبیعی مشارکتشان بیشتر شود؟

وقتی وزارت تعاون تشکیل شد موافق نبود، زیرا این فضا قبل از اینکه یک کار صحیح اقتصادی باشد، یک ظرفیت‌سازی برای حرکت‌های سیاسی بود و وقتی از مردم به‌عنوان ابزار استفاده می‌شود کار این‌گونه خواهد شد.

الآن در پروژه میدان شهدا تعلل می‌شود، در حالی که ۷۰ درصد پروژه تمام شده است و در این پروژه مغازه‌ها و خانه‌ها خریداری شد و ما همان موقع تأکید کردیم کسانی که خانه‌ها و مغازه‌هایشان را می‌فروشند، مجدداً در همین جا خانه بخرند تا ذی‌نفع باشند، زیرا وقتی مهاجرت کنند یک بافت جمعیت دیگری شکل می‌گیرد، ذی‌نفع باید واقعاً احساس کند که صاحب منفعت است.

■ به نظر می‌رسد بین مردم و مدیریت شهری یک حس بی‌اعتمادی به وجود آمده است. چه زمانی قرار است این مشکل حل شود، نمونه‌اش در بافت فرسوده اطراف حرم؟

این امر مطلق نیست و ممکن است یک شهردار توانمند باشد یا نباشد و اگر توانمند باشد تعامل خوبی با مردم خواهد داشت، بهتر است همین مقدار کاری که در اطراف حرم شکل گرفته مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد تا ببینیم وضعیت بهتر شده یا بدتر، مقدار زیادی از امور در اطراف حرم شکل گرفته و امیدواریم با بستری که فراهم شده کارها بهتر به پیش رود.

■ شما گفتید تعاونی‌ها را بر اساس کارها و پروژه‌ها تعریف کنیم، این امر را باید از کجا شروع کرد و آیا باید قوانین خاصی در این راستا تعریف کرد؟

دستورالعمل اقتصاد مقاومتی مشخص می‌کند که ما باید در کدام مسیر حرکت کنیم، ما ۸ عامل اقتصاد مقاومتی را مشخص و برای هر کدام ۵ بسته عملیاتی در نظر گرفتیم، مثلاً اگر شما بحث سرمایه در گردش که از مشکلات تولید است را حل کنید، خیلی کار مهمی انجام داده‌اید، سرمایه در گردش یعنی باید پولی باشد که شما بتوانید مواد اولیه بخرید و بعد تولید کنید و وقتی فروختی به پول برسی و منظور از سرمایه در گردش یک ساله است، از سوی دیگر بهر هوری در تولید اگر پایین باشد مشکل‌ساز است و همه این‌ها باید حل شود. ■■

اقتصاد مقاومتی در کلان‌شهرها باید توسط مردم اداره شود، مردم عوارض شهرنشینی که ناچیز است را پرداخت می‌کنند، در حالی که باید از طریق مردم ساخت‌وساز در شهر صورت بگیرد و هزینه پروانه، درآمد شهرداری را تأمین کند یعنی شهر هم توسط مردم و هم توسط مدیریت شهری اداره می‌شود. اگر شما ساخت‌وساز را از شهر بگیرید این شهر رفته‌رفته درآمدش کاهش می‌یابد و اداره نمی‌شود لذا در مدیریت شهری در راستای اقتصاد مقاومتی باید اول پروژه تعریف کرد، اطراف حرم مطهر هزاران پروژه است و اگر سرمایه‌گذار بخواهد در این بخش سرمایه‌گذاری کند، ما باید پروژه داشته باشیم تا به او معرفی کنیم، پس اولین قدم برای اینکه یک اقتصاد در مدیریت شهری شکل بگیرد، تعریف پروژه است. در بخش مدیریت شهری قاعداً اغلب پروژه‌ها عمرانی است، به‌عنوان مثال پروژه میدان شهدا با پول مردم ساخته شد، در ابتدا شهرداری این پروژه را تقسیم کرد و زیرگذر را با پول شهرداری و سایر قسمت‌ها را اوراق مشارکت فروخت، بنابراین تعریف پروژه و مشارکت دادن مردم باید شکل بگیرد و در کنار این امر باید مدیریتی وجود داشته باشد تا بخش پروژه و مشارکت مردم را ساماندهی کند، در اینجا یک تعاونی روی یک پروژه مستقر می‌شود و متناسب با آن پروژه خود را ساماندهی می‌کند.

■ مشارکت مردم را چگونه در اجرای پروژه‌ها می‌توانیم داشته باشیم؟ آیا ما وقتی پروژه تعریف کردیم فقط شرکت‌های بزرگ و توانمند می‌توانند وارد شوند یا مردم عادی هم می‌توانند؟

در بودجه امسال و سال گذشته یک فضای باز و فرصتی خوب برای اینکه مدیران بتوانند اوراق مشارکت بفروشند، فراهم شد و این در قانون مشخص است اما مدیران می‌گویند مردم استقبال نمی‌کنند. این نکته خیلی مهم است و ما در همین پروژه میدان شهدا اولین اوراق مشارکت شهری در کشور را فروختیم، پنج روز مهلت داشتیم اما توانستیم ظرف سه روز بفروشیم، علت آن اعتماد مردم بود بنابراین اعتماد یکی از بحث‌های مهم است. مردم پولشان را در بانک می‌گذارند اما نمی‌دانند این پول در چه کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد اما وقتی مردم سرمایه‌شان را در یک پروژه اوراق مشارکت صرف می‌کنند، می‌دانند پولشان را در کجا گذاشته‌اند و از سوی دیگر این روشی قانونی است، بنابراین باید سود واقعی پروژه را به مردم داد تا مردم ورود پیدا کنند. در روش‌هایی که ابهام دارد و مردم در یک فضای تبلیغاتی ورود پیدا می‌کنند، معلوم نیست که کلاهبرداری است یا نه راه‌های قانونی برای مشارکت عموم